

دیدار مدیران و برنامه سازان رسانه ای کشورهای مختلف - 26 / اردیبهشت / 1385

بسم الله الرحمن الرحيم

به میهمانان عزیز - که در اینجا هستند و در جشنواره حضور داشتند - خوش آمد عرض می کنیم.

معتقدم که این گردهماییها و نشستها - به خصوص در شرایط کنونی دنیا - می تواند به سود بشریت تمام بشود. مطالبی را به دوستان عرض می کنم و امیدوارم که پاسخ به این دو، سه تا سؤالی که از طرف بعضی از حضار شد، در خلال این حرفها داده شود. رادیو - که شما گردهمایی تان بر محور آن است - همچنان رسانه ی مهمی است؛ یعنی با وجود پدید آمدن رسانه های بعدی، نقش رادیو همچنان نقش مهم، اثرگذار و بسیار گسترده ای است و این به خاطر امتیازاتی است که این رسانه دارد. اهمیت تأثیرگذاری هر رسانه ای، وظیفه ی برنامه سازان آن رسانه را سنگین تر می کند. من می خواهم روی این مسئله ی سنگینی وظایف شما مدیران و برنامه سازان رسانه ی رادیو، قدری تأکید کنم.

امروز رسانه ها در دنیا فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسانها را القاء می کنند و تعیین کننده هستند. رسانه ها می توانند در بهبود وضعیت زندگی انسان مؤثر باشند؛ می توانند در گسترش صلح و امنیت جهانی مؤثر باشند؛ می توانند در ارتقای اخلاق و معنویت در میان انسانها مؤثر باشند و می توانند انسانها را خوشبخت تر کنند؛ متقابلاً می توانند وسیله ی برافروختن جنگهای خانمان سوز باشند؛ می توانند عادات و آداب و رفتارهای مضر را در میان مردم رایج کنند؛ می توانند ملت‌هایی را از هویت انسانی خودشان و هویت ملی شان تهی کنند و می توانند احساس تبعیض را در انسانها زنده کنند. رسانه ها امروز نقش شان خیلی زیاد است. اگر در سطح بین المللی مدیریت و برنامه سازی رسانه ای بر اساس معیارهای اخلاق، فضیلت، برابری و تکیه ی بر مفاهیم واقعی انسانی باشد، ملتها سود خواهند برد. اگر رسانه ها برنامه سازی و مدیریتشان بر اساس منافع کمپانیهای اقتصادی، ثروتمندان بین المللی، قدرتمندان تمامیت خواه و انحصارطلب باشد، یقیناً بشر زیان خواهد کرد.

رسانه ها می توانند زمینه ساز گفتگوی آزاد و دوجانبه و چندجانبه ی بین ملتها باشند. این یکی از بزرگ ترین امتیازات رسانه های عمومی و فراگیر است. رسانه ها می توانند به صورت اخلاقی و استدلالی، مفاهیم ملتها را میان یکدیگر تبادل کنند و دادوستد معنوی و اخلاقی و فرهنگی کنند؛ این مسئله ی بسیار ارزشمندی است. می توانند سطح آگاهی و معرفت مردم را ارتقاء دهند. اگر رسانه ها در دنیا عادلانه اداره شوند، جاده ی رسانه ای، یک جاده ی یک طرفه نباشد، ملتها به معنای حقیقی کلمه، حرف یکدیگر را گوش کنند و مفاهیم محترم در نزد یکدیگر را بشناسند، این به نزدیکی ملتها کمک خواهد کرد.

همان طور که در بیانات چند نفر از شما دوستان، به اشاره یا تصریح بیان شد، بسیاری از دشمنیهای موجود میان ملتها - که از این دشمنیها صاحبان قدرت و ثروت سوءاستفاده می کنند - ناشی از عدم تفاهم و سوءتفاهم است. حرف یکدیگر را نمی دانند. من اگر یک نگاهی به وضع رسانه ای دنیا بکنم، نگاه من به وضع کنونی رسانه در دنیا، یک نگاه خوش بینانه ای نیست؛ این را باید به شما مدیران و برنامه سازان بگویم. آنچه را که رئیس محترم این اتحادیه از لحاظ پیشرفته‌ها و اینها بیان کردند، اینها را من رد نمی کنم، وجود دارد؛ لیکن نگاه به وضع رسانه ای در دنیا، یک نگاه امیدوارکننده، دلگرم کننده و راضی کننده نیست. امروز جاده ی رسانه ای و ارتباطات، یک جاده ی دوجانبه و چندجانبه نیست؛ یک جاده ی یک طرفه است؛ یعنی باید گفت آنچه را که صاحبان قدرت رسانه ای و

امپراطوری رسانه ای می پسندند، با استفاده از علم و فناوری پیشرفته، به زوایای دنیا منتشر و منعکس می کنند. آنچه آنها می پسندند، چیست؟ آن مفاهیمی که آنها می خواهند منتشر کنند، چیست؟ آیا یک مفاهیم انسانی است؟ آیا برخاسته ی از حس فضیلت طلبی است؟ آیا واقعاً در آن، عدالت انسانی وجود دارد؟ چنین چیزی را ما مطلقاً احساس نمی کنیم. امروز امپراطوری خبری و رسانه ای دنیا، تقریباً به طور کامل و نزدیک کامل، در انحصار کسانی است که آنها برای دنیا فضیلت اخلاقی، دین، ایمان، معنویت و صلح را نمی خواهند. همان کسانی بیشترین تسلط را بر رسانه های دنیا دارند که بزرگ ترین کارخانه های اسلحه سازی را دارا هستند؛ منهدم کننده ترین و ویران گرتین بمبهای اتمی در اختیار آنهاست یا مرتبط با آنهاست؛ سیاستهای سلطه جویانه جزو کارهای روزمره و دائمی آنهاست. رسانه ها بیشتر در اختیار اینهاست.

البته امروز با پنجاه سال و بیست سال پیش تفاوت کرده است؛ ملتها و کشورهای مستقل، به رسانه هایی دسترسی پیدا کرده اند؛ تا حدودی کار خودشان را می کنند؛ اما همچنان بین آن چیزی که هست و آن چیزی که باید باشد، فاصله ی زیادی هست؛ یعنی همان جاده ی دوطرفه و چنطرفه که بتواند باطن ملتها و مفاهیم محترم در چشم ملتها را به درستی به یکدیگر منتقل کند.

امروز شما سیاستهای رسانه ای مسلط دنیا را ملاحظه کنید. مصلحت آنها اقتضاء می کند که اسلام را با تروریست مساوی بدانند. این کار با سرعت هر چه بیشتر و با استفاده هر چه بیشتر از فناوریهای پیشرفته انجام می گیرد. مصلحت آنها اقتضاء می کند که متقابلاً امریکا را مظهر حقوق بشر و دموکراسی به حساب آورند. این کار به راحتی و با شیوه های پیچیده و بسیار پیشرفته ی رسانه ای در دنیا انجام می گیرد. دروغهای بزرگ مثل حقیقت در امواج رادیویی، تلویزیونی، اینترنتی و غیره منعکس می شود. همان طور که بعضی از دوستان اشاره کردید، ناگهان در سطح دنیا مسئله ی اول می شود آنفولانزای مرغی؛ که شاید تلفاتش در همه ی دنیا به هزار نفر هم نمی رسد. در همان حال صدوبیست هزار شهروند عراقی غیر مسلح که به وسیله ی امریکاییها یا مرتبطين تروریستشان از بین می روند، مسکوت می ماند؛ ناگهان دنیا پُر می شود از اینکه ایران به دنبال ساختن سلاح هسته ای است. خود آن کسانی که این سیاست تبلیغاتی را اتخاذ می کنند و آن را ترویج می کنند، به وضوح می دانند که این یک دروغ است؛ لیکن مصلحت مدیریت امپراطوری رسانه ای و خبری این را اقتضاء می کند، پس باید گفته شود و گفته می شود. از اینکه یک ملتی با تلاش خود به یک فناوری پیشرفته ای دست پیدا کرده که آن را وام دار هیچ کس نیست و می خواهد از آن استفاده ی صلح آمیز بکند، از این اسمی در رسانه های دنیا برده نمی شود! در قضیه ی فلسطین اگر یک انفجار در یک منطقه ای از فلسطین اتفاق بیفتد که عده ای صهیونیست در آن زخمی شوند، به عنوان یک فاجعه ی بزرگ در دنیا منعکس می شود؛ اما متقابلاً کشتار هر روزه ی فلسطینیها - هر روزه ی بدون مبالغه - به وسیله ی سربازان و اعلام رسمی ترور فعالان فلسطینی از سوی رهبران دولت اسرائیل، این مسکوت می ماند و منعکس نمی شود، بعد به ذهنها نمی رسد. این، آن مشکلات و بیماریهای مزمن و دردهای بزرگ مسئله ی رسانه ای عمومی و امواج رسانه ای در دنیاست. اساس قضیه اینهاست.

دانشی که این رسانه های روان و آسان و سریع را در اختیار بشر گذاشته، باید بتواند بشر را خوشبخت کند. این خوشبختی به این صورت انجام می گیرد که ملتها بتوانند به روشنی از مفاهیم موردنظر یکدیگر مطلع شوند؛ بتوانند حرف و درد یکدیگر را بفهمند؛ انگیزه های یکدیگر را بفهمند و تشخیص دهند. شما ببینید اگر امروز مثلاً ملت امریکا نظر ملت ایران را در مورد مسائل مهم مطرح امروز جهانی بدانند، چه اتفاقی می افتد؛ در مورد مسئله ی حقوق بشر، مسئله ی مردم سالاری دینی - که شعار ماست - حرف ایران در زمینه ی مردم سالاری دینی، حرف ملت ایران در زمینه ی نقش دین در زندگی مردم و تأثیری که دین می تواند بگذارد، نقش زن در زندگی اجتماعی و نگاه اسلام به زن؛ فرض کنید ملت امریکا یا ملتهای اروپایی، اینها را از زبان خود ملت ایران بشنوند - که اینها را گمان می کنم

شماها هم که اصحاب رسانه هستید، نشنیده اید، چه برسد شهروندان معمولی کشورهای غربی - در آن صورت، اتفاقات مهمی در دنیا رخ خواهد داد؛ بسیاری از سوءتفاهمها از بین خواهد رفت؛ بسیاری از گره های ملتها باز خواهد شد و گستره ی تصمیم گیریهای سیاستمداران و قدرتمندان بر اساس منافع امپراطوریهای پولی و مالی در دنیا محدود خواهد شد. امروز سیاستمداران و قدرتمندان دنیا از ناآگاهی ملت‌های خودشان استفاده می کنند و بسیاری از حرفها و کارها را در سطح دنیا به نام ملت‌ها انجام می دهند. ممکن است اگر حقیقت را ملت‌ها بدانند، به این کارها راضی نباشند و به این همکاریها تن ندهند و این دولت‌ها را قبول نکنند. رسانه ها می توانند چنین نقشی داشته باشند و می توانند به معنای حقیقی کلمه، به خوشبختی انسانها کمک کنند.

اگر در مدیریت و برنامه سازی رسانه ای، دین، اخلاق و فضیلت حاکم باشد، یقیناً رسانه ها وضع بهتری خواهند داشت و وضع بشریت از آنچه که امروز هست، بهتر خواهد شد. من توصیه می کنم در این طور گردهماییها لاقلاً به همان اندازه ای که در زمینه های فنی و کاری تبادل نظر می شود، در زمینه ی آرمانهای انسانی و چگونگی به کار گرفتن این فضیلتها و آرمانها مذاکره و فکر بشود؛ برای اینکه معنویت و اخلاق وارد جریان رسانه ای دنیا بشود و این پیشرفت و حرکت علمی بسیار باارزشی که در دنیا انجام گرفته و رسانه ها را این طور ارتقاء بخشیده، در خدمت بشریت قرار بگیرد. این، آن مطلبی است که من به دوستان عرض می کنم.

امیدوارم که این دو، سه نفر دوستی که سؤال کردند، پاسخ سؤالات خودشان را در آنچه که ما گفتیم، یافته باشند.

من از مدیران صدا و سیمای جمهوری اسلامی هم به خاطر اینکه این اجتماع را به راه انداختند و این برنامه را ترتیب دادند و از شما میهمانان عزیز دعوت کردند، تشکر می کنم و امیدوارم که در این چند روز به شما خوش گذشته باشد و ان شاءالله با خاطرات خوب ایران را ترک کنید.

والسلام علیکم ورحمةالله